

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره سیزدهم ، شماره چهل و هفتم ، بهار ۱۴۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

صفحات: ۶۱ - ۴۱

شناسایی مولفه های موثر بر تولید واحدهای فعال تولیدی استان سمنان

( با نگاهی بر وظایف پلیس امنیت اقتصادی )

نویسنده:

ابوالفضل طاهریان<sup>۱</sup>\*

## چکیده

طی سال‌های اخیر به سبب ایجاد رکود در سیستم‌های اقتصادی کشورهای مختلف، مسئله تولید و بالتبع اشتغال به یکی از مهمترین دغدغه‌های تصمیم‌گیران و سیاستمداران مبدل گشته است. در ایران نیز با توجه به شرایط سیاسی دولت‌های گذشته و عدم بهره‌گیری از امکانات موجود در کشور مسائل و مشکلات مهمی در زمینه تولید و اشتغال ایجاد شده است. در این بین دستگاه‌های موثر بر تولید از وظایف مهم و غیر قابل انکاری در بهبود حوزه تولید و اشتغال برخوردارند. یکی از مهمترین دستگاه‌های موثر بر تولید در ایران در کنار سایر دستگاه‌های متولی، پلیس امنیت اقتصادی فراجا می‌باشد. این معاونت با دراختیارداشتن وظایف قانونی و دسترسی‌های خود هر چند محدود (در شرایط فعلی) می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص ملی داشته باشد و زمینه بهبود سایر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله شاخص قیمت سهام، نرخ بیکاری، مبارزه با قاچاق کالا و ارز و نرخ تورم را فراهم کند. با برطرف شدن مشکلات و موانع در حوزه تولید نه تنها بیکاری کاهش می‌یابد بلکه افزایش اشتغال و بالتبع افزایش واحدهای تولیدی می‌تواند در کنار هماهنگی دستگاه‌های مختلف با معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه، کشور را در وهله اول از افزایش صادرات و در وهله بعد از رشد اقتصادی روزافزون برخوردار کند. در همین راستا و با توجه به اهمیت بالای موضوع تولید، در این پژوهش با گردآوری داده‌های مربوط به وضعیت تولیدی شرکت‌های منتخب در زمینه تولید در استان سمنان به بررسی وضعیت این شرکت‌ها و شناسایی متغیرهای موثر بر تولید در آنها پرداخته شده است. نتایج حاصل از به‌کارگیری روش مصاحبه نیمه ساختاریافته و تحلیل مضمون نشان داد که مهمترین عوامل موثر بر تولید در شرکت‌های تولیدی استان سمنان عبارت است از: نرخ ارز، احتکار، قاچاق کالا و ارز، نرخ تورم، عدم هماهنگی دستگاه‌های تولیدی با شرکت‌های فعال در زمینه شناسایی مشکلات تولیدی

---

۱ - کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه سمنان، ایران [abolfazl140532399@gmail.com](mailto:abolfazl140532399@gmail.com)

آنها، عدم ارتباط و فقدان ساختار منظم و توسعه یافته جهت ارتباط شرکت‌های تولیدی با پلیس امنیت اقتصادی، وجود نداشتن روحیه جهادی در نظام تولیدی و عدم برخورداری از دانش و علم کافی و روحیه مسئولیت پذیری در کار. انتظار می‌رود که پلیس امنیت اقتصادی با بهره‌برداری از پژوهش موجود و ایجاد نوآوری در وظایف خود و همچنین ارتباط مستمر با سایر دستگاه‌های تولیدی بتواند گام مهمی در بهبود تولید و اشتغال در استان و کشور داشته باشد.

**کلید واژه‌ها:** پلیس امنیت اقتصادی ، بیکاری، تولیدناخالص داخلی، احتکار، قاچاق کالا و ارز.

## ۱-مقدمه

تأثیرات منفی و گسترده کاهش تولید و افزایش بیکاری بر جوامع به قدری مهم و حیاتی شمرده می‌شود که همواره سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در صدد این هستند که راهی برای کاهش آن پیداکنند. برای برون رفت از مشکلات بیکاری و افزایش بازدهی تولید باید تمامی متغیرها و عللی که می‌تواند منجر به تغییر تولید و اشتغال می‌شوند را مورد بررسی قرار داد. مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ارتباط مستمر و پویا دستگاه‌های تولیدی با نهادهای امنیتی موثر بر تولید، ارائه راهکارهای علمی و تخصصی از سوی نهادهای امنیتی موثر بر تولید با توجه به حیطه گسترده وظایف و اختیارات و دسترسی‌های خود به منابع گوناگون چه در داخل و چه در خارج کشور، از راهکارهای مهمی هستند که می‌توانند تولید را بهبود بخشیده و اشتغال را افزایش دهند.

هماهنگی و ارتباط موثر علمی و تخصصی بخش‌های مختلف اقتصادی نیازمند فکری دقیق و ارائه راهکارهای جامع می‌باشد که بتواند دستگاه‌های مختلف تولیدی را به سمت افزایش تولید هدایت کند. در کشورهای توسعه‌یافته به سبب افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود ساختار تولیدی شرکت‌های فعال، ریل‌گذاری تولید از وضعیت مناسبی برخوردار است که می‌توان با انجام تحقیقات کاربردی و انجام فعالیت‌های میدانی دقیق و کارآمد این سیستم را بهبود بخشید. مهمترین علتی که می‌تواند زمینه افزایش رشد اقتصادی یک کشور را فراهم کند. افزایش تولید و در ادامه آن افزایش اشتغال در آن کشور می‌باشد که نیازمند ارائه راهکارهای متنوع و دقیق علمی می‌باشد.

همچنین در کشورهای درحال توسعه تحقیقات صورت گرفته در حوزه تولید و رفع موانع تولیدی شرکت‌ها متأسفانه چندان دقیق و علمی نبوده و همین امر سبب شده است تا بسیار یاز شرکت‌های تولیدی در سال‌های اخیر به دلیل مشکلات به‌وجود آمده به سمت ورشکستگی و توقف تولید پیش بروند که همین امر در نهایت سبب کاهش تولید کشور و افزایش بیکاری در استان‌های مختلف ایران

شده است. افزایش تولید و کاهش بیکاری می تواند در نهایت سبب ایجاد رشد اقتصادی مطلوب در جوامع بشوند و وضعیت معیشت مردم را بهبود ببخشند؛ اما از آنجایی که به این حوزه کمتر توجه و مورد غفلت واقع شده، سعی شده است تا در این پژوهش با استفاده از داده های موجود و بهره گیری از مصاحبه های نیمه ساختاریافته به شناسایی و بررسی مشکلات تولیدی واحدهای تولیدی پرداخته شود.

## ۲- پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

در ابتدا و قبل از بررسی مبانی نظری موجود در حوزه تولید باید به تعریف تولید و جایگاه تولید در اسلام بپردازیم چراکه متاسفانه در سیستم تولیدی فعلی در کشور هیچ گونه استفاده ای از دستورات اسلامی در بحث تولید صورت نگرفته است. همچنین لازم است تا در ادامه به جایگاه دستگاه های مربوطه در امر تولید همچون پلیس امنیت اقتصادی فراجا پرداخته شود تا بتوان نقشه راهی موثر و البته دقیق در حوزه ارتباط تولید و فراجا رسم کرد.

### ۲-۱- تولید از منظر اسلام

اهتمام به اقتصاد و تولید در اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است و آیات و روایات فراوانی درباره اهمیت فعالیت های اقتصادی- البته به صورت مشروع و خدایسندانه- نقل شده است. بنابراین، ضرورت دارد تا مسلمانان برای اعتلای جامعه اسلامی و ایجاد جامعه ای آباد و مملو از نشاط و سرزندگی تلاش کنند و موانع رشد اقتصادی را برطرف سازند (خسروشاهی، ۱۳۸۹). همچنین یکی از اصول عمده در جوامع مختلف، به ویژه جامعه اسلامی، مسأله تولید می باشد. در واقع اصل رشد تولید و برآوردن نیازهای مشروع جامعه از قبیل تولیدات کشاورزی، صنعتی، علمی، فنی خدماتی، زمینه ای ارتقای جامعه در ابعاد مختلف را مهیا می نماید و باعث پیشرفت و بالندگی کشور و قطع وابستگی به بیگانگان می گردد.

واضح است که اگر تولیدکنندگان در جامعه اسلامی در جریان روند تولید متکی بر ارزش های اسلامی و رعایت (اخلاق در تولید) باشند و ملاک های قرآنی و فرمایشات ائمه اطهار (علیهم السلام) را به دقت در کار تولیدی خود به کار ببندند، تولیدات شان مطلوب تر، مرغوب تر، با دوام، با کیفیت و مورد رضای الهی و مردم قرار خواهد گرفت. با عمل به دستورات دینی و رعایت اخلاق در تولید، زمینه برای پیشرفت کشور و ارتقای معنوی و مادی تولید کنندگان و اشتغال زائی و افزایش تولید و استفاده بهینه از امکانات الهی در طبیعت را مهیا می سازد (حر، ۱۳۹۰).

با مطالعه در رفتارهای اقتصادی پیشوایان معصوم(ع) می‌توان به اصول کلی در زمینه تولید دست یافت. آنها نه تنها خود علاقه زیادی به کارهای تولیدی و اقتصادی داشتند، بلکه با استفاده از فرصت‌های مناسب برای شکوفایی نیروهای درونی و استعدادهای نهفته افراد زمینه‌سازی می‌نموده و از این طریق انگیزه تولید و کسب درآمد را در آنها تقویت می‌کردند. تأکید آن بزرگواران بر تولید بیانگر آن است که اسلام، اقتصاد بر محور تولید مخصوصاً کشاورزی را بر سایر موارد ترجیح می‌دهد. بررسی زندگی امام علی(ع) نشان می‌دهد که آن حضرت در دوران ۲۵ سال فاصله از امور حکومتی، بیشتر وقت‌شان را به باغداری و کشاورزی و کارهایی مربوط به آن نظیر حفر چاه و قنات می‌گذراندند. بنابراین بر همگان واضح و مبرهن است که همواره در اسلام از ابتدا تاکنون تولید و بحث اقتصادی و امنیت آن جایگاه ویژه‌ای داشته و از اهمیت بالایی در دین ما برخوردار است که این امر سبب سنگین‌تر شدن بار مسئولیت دستگاه‌های نظارتی و حمایتی در زمینه تولید می‌شود.

## ۲-۲- امنیت اقتصادی و جایگاه آن در تولید

امنیت اقتصادی به لحاظ لغوی، مرکب از دو واژه امنیت و اقتصاد است. واژه security در زبان انگلیسی، از ریشه کلمه لاتین securus که se به معنی بدون و curus به معنی پریشانی، گرفته‌شده و به معانی امنیت سالم و بی‌خطر، رهایی از اضطراب، آزاد بودن از شک و ابهام، آزاد بودن از ترس و خطر و اطمینان داشتن آمده است. بر این اساس، امنیت اقتصادی عبارت است از امنیت کلی درباره پیگیری رهایی از تهدید. از بعدی دیگر و به طور کلی امنیت اقتصادی را می‌توان آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلا اجرا مانند تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد در نظر گرفت. امنیت اقتصادی، وضعیت باثبات از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت کمک شایانی کند.

در این‌باره که امنیت اقتصادی یک کشور را چگونه باید اندازه‌گیری کرد، زیاد قلم‌فرسایی شده است. همان‌گونه که هر کشور به طور خاص، سطحی از توسعه‌یافتگی اقتصادی، ظرفیتی برای مدیریت ریسک، فرهنگی ملی و موقعیتی خاص در محیط بین‌الملل دارد، باید همواره امنیت اقتصادی خود را به صورتی جداگانه پایش کند. برای کشوری در حال توسعه مانند چین، امنیت اقتصادی به‌درستی به‌عنوان توان فراهم‌سازی افزایشی پایدار در استاندارد زندگی برای همه مردم از طریق توسعه اقتصاد ملی با حفظ استقلال اقتصادی تعریف شده است. به عبارت دیگر سکه امنیت اقتصادی دو رویه دارد: الف) رقابت‌پذیری اقتصادی و ب) حاکمیت مستقل اقتصادی. نتیجه

رقابت ایجاد توسعه ای سالم است، در حالیکه مرتبه ای از استقلال همچون حفاظی در برابر نفوذ خارجی بر اقتصاد عمل می کند.

رقابت پذیری اقتصادی برای برانگیختن رشد اقتصادی و نفوذ در بازارهای بین المللی حیاتی است. در عصر جهانی شدن این هر دو درهم تنیده شده اند، به طوری که هیچ کشوری نمی تواند خود را از چالش های خارجی جدا نگه دارد. به علاوه، این دو یکدیگر را تقویت می کنند به طوری که رقابت از طریق مزیت نسبی در بازار جهانی پایه رشد پایدار در اقتصاد داخلی است و رشد نیز در مقابل، توانایی نفوذ در اقتصاد جهانی را برای کشور فراهم می آورد. بدون رشد و رقابت هیچ امنیت اقتصادی هم وجود نخواهد داشت. روی دیگر سکه، حاکمیت اقتصادی است که باید به عنوان معیاری برای کنترل یک کشور بر جریان توسعه اقتصادی خود و توانایی آن کشور برای ایستادگی در برابر دخالت های خارجی مورد ملاحظه قرار گیرد.

همچنین پیشرفت تکنولوژی و به وجود آمدن فناوری های نوین موجب تغییر و تحول در معنا و مفهوم بسیاری از شاخص های زندگی افراد شده است و مفهوم امنیت اقتصادی نیز از این قاعده مستثنی نیست، زیرا با ورود به قرن بیست و یکم میلادی متوجه می شویم که معنا و مفهوم امنیت تغییر کرده است و دیگر به دور بودن انسان از خطرات جانی، امنیت گفته نمی شود بلکه امنیت به حالتی از زندگی افراد گفته می شود که فرد از آسایش و آرامش کامل برخوردار باشد و قدرت برنامه ریزی داشته باشد. امنیت اقتصادی موضوعی است که هم اکنون جایگاهی شبیه به جایگاه امنیت نظامی و سیاسی در دو قرن اخیر دارد و در اولویت فعالیت های اقتصادی بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است.

امنیت اقتصادی دقیقاً به این معنا است که مردم یک جامعه در معیشت خود و در تامین کالاهای مورد نیاز در تنگنا و مشکلات قرار نگیرند و دولت حاکم بر جامعه نیز تسهیلاتی را برای ارتقای سطح زندگی آنها فراهم آورده باشد (محمدزاده، ۱۳۹۷). امنیت اقتصادی در حقیقت یکی از اصلی ترین و اساسی ترین زیرساخت های توسعه در همه نظام های اقتصادی است. البته باید توجه داشت که مکاتب مختلف اقتصادی نظریات و راهکارهای مختلفی در زمینه توسعه اقتصادی ارائه کرده اند، اما نقش امنیت اقتصادی در توسعه یک کشور غیر قابل انکار بوده و در همه مکاتب نیز به آن اشاره شده است. به منظور محقق ساختن شعار جهش تولید نیازمند به داشتن بسترهای لازم برای رشد و توسعه تولید می باشند که در این بین نقش امنیت اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می باشد.

با این حال به نظر می رسد که احیای کسب و کارهای نیمه تعطیل و حتی تعطیل به عنوان یکی از مولفه های وجود اهمیت امنیت اقتصادی در میان مدیران عامل و صاحبان کسب و کار وجود دارد.

کشورهای توسعه یافته که بسیاری از افراد به آنها کشورهای جهان اولی می‌گویند با توجه به موقعیت و جایگاهی که در اقتصاد و تجارت بین‌المللی برای خود ایجاد کرده‌اند امنیت اقتصادی را بر اساس استانداردها و شاخص‌های خود تدوین و اجرا نموده‌اند؛ همین مهم موجب شده است که اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه این کشورها در سطح مناسبی از رفاه قرار گیرند، زیرا امنیت اقتصادی رابطه مستقیمی با میزان رفاه افراد دارد و افزایش سطح امنیت اقتصادی بی‌شک منجر به افزایش سطح رفاه در زندگی افراد و به تبع آن افزایش امید به زندگی در جامعه می‌شود(نصر، ۱۳۹۲).

همچنین رابطه امنیت اقتصادی با سطح رفاه و امید به زندگی در کشورهای فقیرتر، ملموس‌تر است، زیرا وجود نداشتن امنیت اقتصادی در این کشورها موجب می‌شود تا جامعه از رفاه نسبی برخوردار باشد و امیدی برای زندگی بیشتر نداشته باشند. البته کشورهای در حال توسعه و به اصطلاح جهان دومی همواره سعی کرده‌اند تا در مبحث مهم امنیت اقتصادی از کشورهای جهان اولی و توسعه‌یافته الگوبرداری کنند و با رفتار بر اساس شاخص‌های اقتصادی آنها سطح رفاه زندگی در کشورشان را به سطح رفاه زندگی کشورهای توسعه یافته نزدیک نمایند(جعفری، ۱۳۹۰).

به طور کلی نهادهای مرتبط با مقوله امنیت اقتصادی را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: گروه اول نهادهای مالی هستند که شامل بانک‌ها و مؤسسات مالی، بازار سرمایه، صنعت بیمه و نهادهای ناظر مالی می‌شود. گروه دوم نهادهای قضایی هستند که شامل دادگستری و نیروی انتظامی می‌شود. گروه سوم نهادهای اداری همچون وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی و گروه چهارم نهادهای اجتماعی شامل مجالس قانون‌گذاری، اتحادیه‌ها و اصناف، اتاق‌های بازرگانی و احزاب سیاسی هستند که با توجه به طبقه‌بندی گروه‌ها و نهادهای موجود در آنها در اقتصاد کشور و تامین امنیت اقتصادی آنها تاثیرگذار است و به همین دلیل هیچ‌گاه یک نهاد در یک کشور نمی‌تواند نهاد دیگر را به زیر سوال بردن شاخص‌های امنیت اقتصادی محکوم کند، زیرا امنیت اقتصادی در تعامل میان گروه‌های مذکور به وجود می‌آید.

در ادامه به تشریح وظایف پلیس امنیت اقتصادی پرداخته می‌شود: (۱) برخورد با رشاء و ارتشاء (۲) برخورد و شناسایی تسهیلات غیرمجاز بانکی (۳) مبارزه با زمین‌خواری و پولشویی (۴) مبارزه و برخورد با اختلاس و احتکار (۵) مبارزه و برخورد با اخلال در نظام اقتصادی کشور مخصوصا نظام تولیدی (۶) مبارزه و برخورد با قاچاق کالا و ارز. در همین راستا و با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته و همچنین نتایج کسب شده در این پژوهش می‌توان گفت پلیس امنیت اقتصادی یکی از مهمترین ارگان‌هایی است که در زمینه‌های مختلف همچون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ارائه گزارش‌های تخصصی در جهت بهبود نقش بازار سرمایه در رونق تولید و جلوگیری از تخلفات

بورسی با همکاری سازمان بورس، جلوگیری از قاچاق کالا و ارز و همچنین برخورد قاطعانه با دستگاه‌های متخلف در زمینه بهبود تولید نقش موثری در این حوزه ایفا کند.

در همین راستا پلیس امنیت اقتصادی فراجا به عنوان یکی از مهمترین نهادهای درگیر در امر تولید باید با استفاده از امکانات موجود و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان کشور در هر سطح و جایگاهی و با ایجاد نوآوری های جدید و ابتکار عمل در حوزه وظایف خود نقش موثری در امر تولید و برطرف کردن مشکلات آن ایفاکند. در ادامه به ذکر برخی پژوهش های انجام شده در زمینه تولید و متغیرهای موثر بر آن و همچنین ارتباط امنیت اقتصادی با تولید پرداخته شده است.

رهبر و همکاران (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی موانع سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر رشد اقتصادی و تولید در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۴ و با بهره‌گیری از روش همبستگی پیرسون به این نتیجه دست یافتند که متغیر امنیت سرمایه‌گذاری ارتباط معناداری با تولید و رشد اقتصادی در ایران دارد.

قطمیری و جهرمی (۱۳۸۶) طی پژوهشی به مقایسه تاثیر تغییرات نرخ ارز بر تولید در کشورهای در حال توسعه‌ی منتخب با نظام‌های ارزی مختلف پرداختند. آنها در این پژوهش از داده‌های پانل طی دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۸۱ و آزمون‌های ایم، پسران و شین استفاده کردند. نتایج گویای آن بود که کاهش ارزش پول در تولید در کشورهای دارای نظام نرخ ارز ثابت مثبت ولی در کشورهای دارای نظام نرخ ارز شناور رابطه معناداری میان نرخ ارز و تولید وجود ندارد.

حیدری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "رشدحجم پول و تاثیر آن بر اشتغال و تولید در اقتصاد ایران" به بررسی متغیر حجم پول (نقدینگی) بر اشتغال و تولید در ایران پرداخته است. در این پژوهش از داده‌های اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۴۵-۱۳۸۲ و همچنین از مدل اقتصادسنجی خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که رشد پیش‌بینی شده حجم پول با یک وقفه زمانی بر تولید و اشتغال تاثیر گذار می‌باشد.

کمیجانی و نقدی (۱۳۸۸) طی مطالعه‌ای به بررسی ارتباط متقابل بین تولید و تورم در اقتصاد ایران با تاکید بر تورم بخشی پرداختند. در این پژوهش از داده‌های سری زمانی ۱۳۸۴-۱۳۵۳ و الگوهای خودرگرسیون برداری (VAR) و الگوی تصحیح خطای برداری (VEC) استفاده شد و نتایج گویای آن بود که رابطه تولید و تورم یک رابطه بلندمدت می‌باشد؛ یعنی با افزایش تولید در بلندمدت تورم کاهش می‌یابد که این قضیه اولاً سبب افزایش درآمدهای غیرنفتی ایران می‌شود و ثانیاً می‌توان از آن برای کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال نیز بهره برد.

محبی (۱۳۹۱) به عبارت دیگر یک جامعه را زمانی می توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاهها به عنوان مهمترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه سازی رفتار خود بپردازد.

غلامی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی مولفه های امنیت اقتصادی و تشریح آن پرداختند. نتایج به دست آمده از انجام مطالعات حاکی از آن بود که امنیت اقتصادی از مولفه های مختلفی برخوردار است که ترکیبی از چندین شاخص متفاوت است و این شاخص ها در مطالعات مختلف لزوما یکسان گزارش نشده اند. همچنین متغیرهایی مانند: قاچاق کالا و ارز، نرخ ارز، تورم، رشد اقتصادی، حجم نقدینگی در گردش (پول کثیف و تمیز) و احتکار متغیرهای تاثیرگذار در حوزه امنیت اقتصادی در یک جامعه ذکر شده اند.

اکبری و معمارزاده (۱۳۹۸) در مطالعه خود به پژوهش درباره نقش پلیس در تامین امنیت اقتصادی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که در سال های اخیر امنیت اقتصادی به معنای امنیت در تولید و اقتصاد افزایش یافته که این امر در بالا رفتن توان تولیدی و رونق تولید نقش مهمی ایفا می کند.

عزتی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی اثر تحریم های اقتصادی بر تولید و اشتغال بخش صنعتی در اقتصاد ایران با استفاده از داده های سری زمانی ۱۳۹۵-۱۳۵۵ پرداختند. آنها در این پژوهش با بهره گیری از روش سیستم معادلات همزمان ۳SIS به این نتیجه رسیدند که وضع تحریم های ظالمانه علاوه در کنار ایجاد فرصت برای شکوفایی برخی صنایع در عین حال باعث کاهش سطح اشتغال و کاهش تولیدات بخش صنعت شده است.

در پژوهشی مالمیری و سیاح (۱۳۹۹) به بررسی قاچاق کالا و ارز و تاثیر آن بر تولید با استفاده از داده های مالیات و تولید ناخالص داخلی و متغیرهای کمکی دیگر با استفاده از مصاحبه های نیمه ساختار یافته پرداخته اند. نتایج حاکی از آن بود که که واردات بی رویه و قاچاق یکی از بزرگترین سدهای راه تولید کنندگان داخلی هستند. واردات بی رویه مخصوصا در کالاهایی که مشابه داخلی دارد موجب ناامیدی تولیدکننده و بیکاری کارگر ایرانی می شود. ورود کالا از مبادی غیر رسمی یا پدیده قاچاق نیز رابطه مستقیمی با تولید ملی دارد. باید با ریشه یابی و رهگیری کالاهای قاچاق، مبادی ورودی و عاملان آن از بین برود. چنانچه واردات بی رویه و قاچاق ریشه کن نشود، جهش تولید نیز ممکن نخواهد بود.

تائو و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله ای به بررسی و تجزیه و تحلیل دیدگاه اقتصادی به منظور حفاظت از امنیت و حفظ حریم خصوصی داده ها و دیتای بزرگ اقتصادی پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که حملات سایبری و مشکلات به وجود آمده در داده های اقتصادی مشکلات عدیده ای برای



سیستم‌های اقتصادی و کسب و کارها به وجود می‌آورد که این قضیه نشان دهنده تاثیرگذاری بالای امنیت اقتصادی بر کسب و کارها می‌باشد.

سان و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی عوامل و استراتژی‌های مختلفی مبنی بر امنیت اقتصادی و توسعه اقتصادی در یکی از استان‌های کشور چین پرداختند. به اعتقاد آنان تخریب اکولوژی و عدم توسعه اقتصادی باعث کاهش تمرکز بر توسعه اقتصادی می‌شود.

### ۳- روش شناسی

در این پژوهش به منظور طراحی سوالات مورد مصاحبه به بررسی دقیق مبانی نظری کار شده در این حیطه و پژوهش‌های صورت گرفته و همچنین داده‌های احصاشده پرداخته شده است. همچنین به منظور دقیق‌تر بودن سوالات از توصیه‌ها و مشورت‌های صاحب‌نظران اساتید دانشگاهی و مسئولان اداره برنامه بودجه استان سمنان نیز بهره‌گیری شده است. در عین حال برای سنجش روایی گزارشگری و تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه، از معیارهای مقبولیت و قابل‌تایید استفاده شده است. در این راستا جهت افزایش مقبولیت نتایج مصاحبه از روش بازنگری توسط شرکت‌کنندگان در مصاحبه بهره‌برداری شد. همچنین برای قابلیت تایید در مرحله پایانی و برای اطمینان خاطر بیشتر، نتایج به‌دست آمده به پنج نفر از مشارکت‌کنندگان به منظور بازبینی و تایید برگردانده شد. همچنین در این پژوهش از روش پایایی باز آزمون و دو کدگذار برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شده است. در ادامه به ذکر آزمون‌های اشاره‌شده می‌پردازیم.

#### ۳-۱- پایایی باز آزمون

برای انجام پایایی باز آزمون از میان مصاحبه‌های صورت گرفته به صورت تصادفی ۳ نمونه انتخاب شدند و هر کدام از آنها در فاصله زمانی کوتاه دوبار کدگذاری شده‌اند. سپس کدهای مشخص شده در فاصله زمانی معین برای هریک از مصاحبه‌های انتخاب شده با همدیگر مقایسه شدند. روش باز آزمون برای ارزیابی ثبات کدگذاری مصاحبه‌های صورت گرفته به کار می‌رود. ولی نقص آن این است که نتایج می‌تواند تحت تاثیر تجربه یا حافظه پژوهشگر قرارگیرد. در هر کدام از مصاحبه‌ها کدهایی که در دو فاصله زمانی معین با یکدیگر مشابه هستند با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص شده‌اند. روش محاسبه پایایی به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{درصد پایایی بازآزمون} = \frac{\text{تعداد توافقات} * 2}{\text{تعداد کل کدها}} * 100\%$$

در همین راستا برای سنجش پایایی بازآزمون از بین مصاحبه های انجام شده تعداد ۴ مصاحبه انتخاب شد و هر کدام به فاصله زمانی ۱۴ روز توسط پژوهشگر کدگذاری شد. در جدول (۱) محاسبه پایایی بازآزمون (شاخص ثبات) برای نمونه مصاحبه های صورت گرفته ذکر شده است.

جدول ۱ محاسبه پایایی بازآزمون ( شاخص ثبات)

ردیف	عنوان مصاحبه	کل کدها	توافقات	نتیجه پایایی بازآزمون
۱	Tolid ۳	۲۴	۱۲	٪ ۳۵.۸۹
۲	Tolid ۶	۳۲	۱۵	٪ ۸۴
۳	Tolid ۷	۳۰	۱۶	٪ ۹۵
	کل	۸۶	۴۳	٪ ۶۱.۲۳

منبع: یافته های پژوهش

### ۲-۳- پایایی دوکدگذار

در این پژوهش نیز از روش پایایی دوکدگذار برای محاسبه پایایی داده های مصاحبه استفاده شده است. در روش درون موضوعی دوکدگذار، فرد دومی نیز با پژوهشگر در زمینه کدگذاری مصاحبه های صورت گرفته مشارکت داشت. در این روش نیز مثل روش بالا برای ۴ مصاحبه درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می رود محاسبه شده است.

$$\text{درصد توافقات درونی} = \frac{\text{تعداد توافقات} * 2}{\text{تعداد کل کدها}} * 100\%$$

همانطور که در جدول (۱) مشاهده می شود تعداد کل کدها، توافقات و همچنین نتایج به دست آمده از انجام آزمون پایایی بازآزمون در جدول (۱) ذکر شده است. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده برابر ۸۴ درصد محاسبه شده است. با استناد به اینکه پایایی بیش از ۷۰ درصد ذکر شده است؛ قابلیت اعتماد کدگذاری ها مورد تایید می باشد و می توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه انجام شده مناسب می باشد. همچنین در این روش علاوه بر استفاده از آزمون های اقتصادسنجی برای سنجش دقیق نوع علیت و ارتباط میان تولید و متغیرهای کلان اقتصادی، از روش تحلیل مضمون یا تماتیک نیز برای بررسی و تجزیه و تحلیل مصاحبه های انجام شده از واحدهای تولیدی استان سمنان استفاده شده است. در ادامه بر تشریح روش تحلیل مضمون می پردازیم.

در این پژوهش پس از گردآوری داده ها و جمع بندی مصاحبه های انجام شده، سعی شد تا با بهره گیری از روش تحلیل مضمون و انجام فرایندهای کدگذاری به شناسایی مسائل مهم و ضروری و موانع به وجود آمده بر سر راه تولید پرداخته شود. در این روش از تحلیل تماتیک (مضمون) استفاده شده که در ۶ مرحله زیر شرح داده شده است:

(۱) آشنایی با داده ها: در این گام محقق برای شناسایی مولفه های موثر بر تولید در استان سمنان و همچنین موانع و مشکلات به وجود آمده در تولید استان سمنان و کشور، در روش کیفی به انجام مصاحبه با کارخانه های تولیدی و صاحب نظران پرداخته شده است. همچنین در چندین مرحله مطالعه آشنایی با داده ها توسط پژوهشگر انجام شد.

(۲) کدگذاری اولیه: در مرحله دوم به استخراج عبارت های بیانی طی فرایند مقوله بندی و همچنین انجام کدگذاری اولیه پرداخته شده است. همچنین در این مرحله به کدگذاری مفهوم ها به روش دستی نیز پرداخته شد.

(۳) جستجوی تم ها: در این مرحله با بررسی کدهای اولیه احصا شده، سعی شده تا با انجام عمل کدگذاری گزینشی هریک از مفاهیم مشابه، ناقص، نامرتبط با موضوع احصا گردد.

(۴) بازبینی تم ها: در این مرحله با بازبینی مجدد کدهای گزینشی، تلاش شد تا به دسته بندی مفاهیم گزینشی در قالب تم های فرعی پرداخته شود.

(۵) تعریف و نامگذاری تم ها: در این قسمت پژوهشگر با استناد و توجه به تم های فرعی و انجام اعمال رفت و برگشتی تعدادی تم اصلی استخراج و به بررسی و تجزیه و تحلیل آنها پرداخت و در دسته های کلی تر طبقه بندی گردید. در نهایت با بازبینی محتوایی و ماهیت آنها به نامگذاری آنان پرداخته شد.

۶) گزارش دهی: در قسمت نهایی و پس از انجام تحقیقات مستمر گزارش دهی در قالب جداول باز گزارش های تحلیل شده ارائه شد.

#### ۴- یافته های پژوهش

به طور کلی هدف از انجام این پژوهش آن است که از مصاحبه های صورت گرفته از میان شرکت های برگزیده و منتخب استان سمنان مولفه ها و متغیرها و همچنین موانع موثر بر تولید شناسایی و احصا گردد تا علاوه بر شناخت اقتصادسنجی مولفه ها و متغیرهای موثر بر تولید، سعی شود موانع و مشکلات واحدهای تولیدی نیز احصا شده تا بتوان با همکاری نهادهای مربوطه مشکلات این واحدها و در نهایت مشکلات تولید در استان و کشور را مرتفع نمود. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده های کیفی که با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته و منابع کتابخانه ای و میدانی جمع آوری شده از روش تحلیل مضمون یا تماتیک بهره گیری شده است که در ۶ مرحله در فصل گذشته شرح داده شد. در نهایت و در مرحله پایانی تحلیل مضمون (تماتیک) گزارش نهایی ارائه شده است که در این گزارش به مولفه ها و موانع و مشکلات واحدهای تولیدی استان سمنان و بالتبع در امتداد آن واحدهای تولیدی در کشور پرداخته شده است. با تجزیه و تحلیل داده های کیفی بر اساس روش ذکر شده تعداد ۲۷ مورد عبارت بیانی که متناسب با مولفه های رفتاری تولید و مرتبط با موانع امر تولید می باشد احصا گردید. همچنین در ۴ مقوله فرعی مفاهیم گزینشی (مضامین پایه) دسته بندی گردیدند. اطلاعات جمع آوری شده از مصاحبه های صورت گرفته و دسته بندی موارد مربوطه در جدول (۲) ذکر شده است.

#### ۴-۱- مولفه های رفتاری موثر بر تولید (استخراج شده از متون مصاحبه):

همان گونه که در متون مصاحبه بیان شده مولفه های رفتاری موثر بر تولید در بین شرکت های تولیدی استان سمنان از ۴ مورد (۱) امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی (۲) فرهنگ مقاومتی تولید (۳) مهارت های حرفه ای تولید (۴) دسترسی به منابع تولید تشکیل شده است. در ادامه به ذکر مهمترین موارد تشکیل دهنده این ۴ مولفه می پردازیم:

(۱) امنیت روانی، اجتماعی و اقتصادی: این مولفه از موارد بسیاری تشکیل شده است که به ذکر مهمترین منابع مستخرج از متون مصاحبه می پردازیم. الف) احساس امنیت خاطر ب) احساس آزادی عمل در چارچوب قوانین، ج) آزادی های مدنی در کسب و کار، د) فقدان جهت گیری های سیاسی و سلیقه ای خ) استقلال فکری در تولید و حفظ مالکیت معنوی و فکری در میان تولیدکنندگان.

۲) **فرهنگ مقاومتی تولید:** این مولفه نیز از مواردی همچون: الف) ترویج روحیه مدیریت جهادی در عرصه تولید (ب) تعهد و مسئولیت پذیری، شایسته سالاری در واگذاری مسئولیت ها، فرهنگ حمایت از تولید داخل، دوری گزینی از فرهنگ راحت طلبی و دلالی، جوان گرایی در اجرای فرایندها و تطابق گفتار و عمل در رفتارهای اقتصادی تشکیل شده است.

۳) **مهارت های حرفه ای تولید:** این متغیر نیز از مولفه هایی همچون: الف) ارتقای تخصصی و مهارت های شغلی، ب) بهره مندی از دانش روز برای کاهش هزینه ها، ارتقای مهارت های مدیریت راهبردی در مواجهه با بحران های محیطی و د) افزایش سطح آگاهی از قوانین و رویه های تولید تشکیل شده است.

۴) **دسترسی به منابع تولید:** این متغیر نیز از مولفه هایی همچون: الف) تامین منابع مالی تولید، ب) کاهش منابع انسانی از جامعه نخبگانی کشور، ج) امکان سنجی تولید مبتنی بر موقعیت های جغرافیایی و توزیع شفاف و عادلانه منابع تشکیل شده است.

#### ۴-۲- مولفه های ساختاری و محیطی موثر بر تولید (استخراج شده از متون مصاحبه):

۱) قانون گذاری و تصویب قوانین موثر بر تولید

۲) ارتباطات یکپارچه و هم افزا

۳) نهادهای موثر بر تولید

۴) روابط و تعاملات سیاسی

همان گونه که در متون مصاحبه بیان شده مولفه های ساختاری و محیطی موثر بر تولید در بین شرکت های تولیدی استان سمنان از ۴ مورد ۱) قانون گذاری و تصویب قوانین موثر بر تولید ۲) ارتباط یکپارچه و هم افزا ۳) نهادهای موثر بر تولید ۴) روابط و تعاملات سیاسی تشکیل شده است. در ادامه به ذکر مهمترین موارد تشکیل دهنده ای ۴ مولفه می پردازیم:

۱) **قانون گذاری و تصویب قوانین موثر بر تولید:** این مولفه از موارد بسیاری تشکیل شده است که به ذکر مهمترین منابع مستخرج از متون مصاحبه ها می پردازیم. الف) سیاست گذاری با ثبات اقتصادی ب) قانون گذاری شفاف، دقیق و بدون ابهام ج) دوری از انحصار طلبی و ایجاد رانت و تک قطبی کردن اقتصاد د) قوانین محدود کننده در راستای حمایت از تولیدکنندگان.

۲) **ارتباط یکپارچه و هم افزا** : این مولفه نیز از مواردی همچون: الف) کاهش پیچیدگی‌های بروکراسی و اداری و ایجاد ارتباط موثر دستگاه‌ها با یکدیگر (ب) استقلال دستگاه‌های اقتصادی، فرهنگ حمایت از تولید داخل، مدیریت ارتباطات پایدار با کل زنجیره تامین مواد اولیه تولیدی، جلوگیری از موازی کاری‌های دستگاه‌های تولیدی و اقتصادی تشکیل شده است.

۳) **نهادهای موثر بر تولید**: این متغیر نیز از مولفه‌هایی همچون: الف) ایجاد نهادهای کارآمد مالی، قضایی و اقتصادی، ب) تشکیل نظام مالی هدفمند، ج) چابک‌سازی ساختار اقتصادی در مواجهه با بحران‌ها و د) ایجاد ساختارهای کارآمد در جهت مبارزه با قاچاق کالا و ارز تشکیل شده است.

۴) **روابط و تعاملات سیاسی**: در این متغیر مولفه‌هایی همچون: روابط سیاسی، تجاری و اقتصادی با شرکای تجاری در منطقه و حتی کشورهای دیگر، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی همچون پیمان شانگهای یا بریکس، سرمایه‌گذاری بین‌المللی در صنایع کمتر توسعه یافته، نفوذ سیاسی امنیتی و اقتصادی در منطقه، تاب‌آوری در برابر تحریم‌ها و یا تهدیدات بیرونی بیان شده است.

جمع بندی از نتایج کسب شده در این پژوهش و پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد که گرچه در حوزه تولید اقدامات فراوانی انجام شده و پژوهش‌های متعددی با عنوان‌های مختلفی صورت گرفته اما موردی که حائز اهمیت بالایی است این است که به صورت میدانی و تخصصی حوزه تولید توسط متخصصان و مامورین امر پایش و رصد شود. به طور مثال یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های دستگاه‌های مسئول در زمینه امنیت اقتصادی واحدهای تولیدی استان سمنان، نداشتن ارتباط مستمر با این واحدهای تولیدی می‌باشد، چراکه باگذشت زمان و عوض شدن مسائل و مشکلات واحدهای تولیدی نیاز روزافزون به این دست اقدامات و مشاوره‌ها بیشتر شده و مسئولیت نهادهای مرتبط با حوزه تولید از جمله پلیس امنیت اقتصادی بیشتر و بیشتر می‌شود. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که عوامل موثر بر تولید چه در استان سمنان و چه در کشور به طور متوسط یکسان می‌باشد. در این بین این دستگاه‌های مسئول هستند که باید وظیفه خود را در قبال این واحدها انجام داده و به طور مستمر ارتباط خود را به منظور احصاء مسائل و مشکلات این واحدها حفظ کنند.

## ۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

هدف از انجام این پژوهش بررسی موانع تولید و شناسایی مشکلات واحدهای تولیدی استان سمنان می‌باشد. در قسمت نتایج مهمترین متغیرهای احصاشده از متون مصاحبه واحدهای تولیدی

بیان‌شد. به طور مثال مولفه های رفتاری موثر بر تولید شامل مواردی همچون (۱) امنیت روانی اجتماعی و اقتصادی (۲) فرهنگ مقاومتی تولید (۳) مهارت‌های حرفه‌ای تولید (۴) دسترسی به منابع تولید می‌باشد. همچنین مولفه‌های رفتاری و محیطی موثر بر تولید نیز شامل متغیرهایی همچون (۱) قانون‌گذاری و تصویب قوانین موثر بر تولید (۲) ارتباطات یکپارچه و هم افزا (۳) نهادهای موثر بر تولید (۴) روابط و تعاملات سیاسی می‌باشد.

با توجه به نتایج کسب شده از متون مصاحبه با مدیران واحدهای تولیدی، اساتید دانشگاهی و واحدهای اقتصادی مختلف، در ادامه به ذکر برخی از راهکارهای موثر و عملی در جهت بهبود وضعیت تولید و اشتغال در استان سمنان می‌پردازیم.

(۱) تهیه اطلاعات قابل اتکا و دقیق از وضعیت موجود و پتانسیل‌های فضای کسب‌وکار استان و ارائه علمی آن به فعالان عرصه اقتصادی به همراه غلبه بر چالش‌های احتمالی پیش رو، با اعطای مجوزها و تنظیم قوانین مناسب از سوی دولت می‌تواند با افزایش جذابیت چشم‌انداز کسب و کار منجر به اشتغال‌زایی بیشتر شود. اطلاعات روزآمد و به‌کارگیری دانش بازاریابی برای تحریک و تحرک شرکت‌های بزرگ و کوچک برای توسعه سرمایه‌گذاری در استان‌ها بسیار مفید خواهد بود. در این راهبرد، دولت می‌تواند با اعطای مجوز، تهیه دستورالعمل و بسترسازی مناسب، نقش حمایتی خود را برای رونق کسب‌وکار نشان دهد. استان‌ها باید بتوانند با بهره‌گیری از فعالیتهای علمی بازاریابی برای استان خود جایگاه مناسبی تعریف کرده و فعالان و سرمایه‌گذاران را به سمت خود بکشانند. علاوه بر آن بازاریابی از طریق متمرکز شدن بر مزیت‌های رقابتی هر منطقه می‌تواند نقشی کلیدی در مقابله با بیکاری داشته باشد. فعالیتهای اصلی بازاریابی محلی می‌تواند شامل فراهم‌آوری فعالیتهای ترفیعی-تشویقی، ایجاد و راه‌اندازی وب سایت‌های چندزبانه و تبلیغات در طیف گسترده باشد.

(۲) همچنین اعطای تسهیلات هدفمند برای تقویت صنایع جذاب کشور و نظارت دقیق بر فرآیند مصرف آن از اقدامات مهم پسا تسهیلاتی است که متأسفانه نظام بانکی ما در این بخش ضعیف عمل می‌کند و در این خصوص نیازمند تقویت بخش نظارتی در بانک‌ها هستیم. در صورتی که وام‌ها و تسهیلات پرداختی شبکه بانکی کشور به مسیری درست در بازار سرمایه و در راستای افزایش تولیدات کشور هدایت شود، علاوه بر کاهش هزینه‌های تامین منابع مالی، زمینه افزایش سودآوری بخش خصوصی را فراهم آورده و در یک چرخه رشد و سرمایه‌گذاری مجدد، انتظار می‌رود در بلندمدت کاهش بیکاری را در پی داشته باشد. در کشورهای توسعه یافته نیز، بخش عظیمی از تسهیلات بانکی به منظور تامین مسکن و کارت‌های اعتباری خرد پرداخت می‌شود و اساساً شیوه تامین مالی شرکت‌ها از طریق بانک، صرفه اقتصادی نداشته و کمتر مورد استفاده قرار

می‌گیرد. اما از آنجا که در حال حاضر حدود ۷۰ درصد تامین مالی کشور از طریق سیستم بانک صورت می‌پذیرد، اصلاح فرآیندها به منظور ایجاد اشتغال ضروری به نظر می‌آید.

۳) علاوه بر موارد ذکر شده تقویت و توسعه سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اقتصاد و انرژی پاک (سبز) با اهداف متفاوتی از جمله ایجاد اشتغال مورد توجه جدی سیاست‌گذاران قرار گرفته است. بر اساس تخمین مرکز مطالعاتی پیشرفت آمریکا سرمایه‌گذاری روی مشاغل سبز همچون انرژی‌های تجدیدپذیر، هوشمندسازی ساختمان‌ها، توسعه سیستم‌های هوشمند حمل و نقل عمومی، استفاده از سوخت ترکیبی در خودرو و ساخت سیستم‌های هوشمند شبکه، سالی یک میلیون شغل ایجاد خواهد کرد. تحقیقات علمی نشان می‌دهد مشاغل مرتبط با اقتصاد و انرژی پاک طی ۱۰ سال اخیر به صورت میانگین یک درصد رشد داشته است و این در حالی است که اشتغال کل به صورت متوسط ۰/۴ درصد افزایش را نشان داده است. صرف‌نظر از تفاوت دیدگاه‌ها در خصوص آمار و ارقام مرتبط با اشتغال‌زایی مشاغل سبز، توافق عمومی مبنی بر افزایش نرخ رشد این‌گونه مشاغل وجود دارد و کشورهای مختلف اغلب برای دستیابی به دو هدف بنیادین ایجاد اشتغال و پایداری محیطی، از این راهبرد کلیدی استفاده کرده‌اند. علاوه بر این بسیاری از شرکتهای استارت‌آپی در این حوزه به راحتی می‌توانند در بازار سرمایه پذیرش شده و تامین نقدینگی خود را به وسیله انتشار اوراق بدون هیچ مشکلی انجام دهند. به همین دلیل است که بازار سرمایه یکی از مهمترین گلوگاه‌های تامین نقدینگی شرکت‌ها و کاهش بیکاری به شمار می‌رود. لازم به تاکید است که در کنار کاهش بیکاری به بازارهای مالی و توسعه آن نیز باید توجه مضاعفی داشت؛ چراکه بسیاری از شرکت‌های نوپا و استارت‌آپی و حتی شرکت‌های قدیمی تامین نقدینگی خود را از این بازار انجام می‌دهند. علاوه بر این استفاده از تکنولوژی‌های به روز و پیشرفته سبب رشد و گسترش بازارهای مالی شده و می‌تواند تاثیرات مثبتی بر سایر مولفه‌های اقتصادی داشته باشد. همچنین رشد و گسترش روزافزون بازارهای مالی در دنیا سبب شده تا بسیاری از کشورهای در حال توسعه برنامه‌های جامع و متنوعی برای بهبود وضعیت بازارهای مالی خود داشته باشند چراکه در کنار سایر وظایف مهم ذکر شده، بازارهای مالی از نقش اساسی در گردآوری پس‌اندازهای کوچک و بزرگ و هدایت آن به بخش مولد اقتصادی در کشورها برخوردار هستند و به همین دلیل است که توسعه بازارهای مالی و تاثیر آن بر مولفه‌ها و متغیرهای اقتصادی کشورها به عنوان یکی از محورهای کلیدی در ادبیات توسعه اقتصادی و مالی بیان شده است. در ادامه به بیان برخی از مهمترین پیشنهادات ذکر شده در حوزه رشد بازار سرمایه و افزایش راهکارهای تامین نقدینگی شرکت‌ها پرداخته شده است؛ به طوریکه با اجرای صحیح و درست هریک از موارد اعلام شده می‌توان انتظار بهبود وضعیت بازار سرمایه و افزایش اشتغال را داشت.



۴) لازم است تا نهادها و نظام‌های بستر ساز تولید ایجاد یا توسعه داده شوند. در این رابطه بایستی نسبت به ایجاد نهادهای کارآمد مالی، قضایی و اداری ناظر اقدامات لازم صورت گیرد و همچنین چابک‌سازی سیستم‌ها و نهادهای اقتصادی به منظور ارتقای بهره‌وری در دستور کار قرار بگیرد. همچنین کاهش مالیات بر شرکت‌های تولیدی و در عین حال جلوگیری از فرار مالیاتی شرکت‌ها به منظور ایجاد عدالت در میان تمام واحدها می‌تواند راهکاری دقیق در جهت تحقق شعار سال نیز باشد.

۵) لازم است ارتباطات یکپارچه و هم‌افزا ایجاد شود. در این خصوص ضروری است که نسبت به کاهش پیچیدگی و ارتقای کیفیت بروکراسی اقدام لازم صورت گیرد، استقلال دستگاه‌ها و نهادهای اقتصادی حفظ شود، کانال‌های توزیع و صادرات ایجاد و توسعه داده شود، ارتباطات بین صنایع و دانشگاه تقویت شود، مدیریت ارتباطات پایدار در کل زنجیره تأمین تولید ایجاد گردد، بر ضابطه‌مداری به‌جای رابطه‌مداری در تولید تأکید شود، موازی‌کاری دستگاه‌ها و نهادها حذف شود و هم‌افزایی بین دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذار انجام شود

۶) توصیه می‌شود که فرایندهای اثربخش پشتیبان تولید ایجاد و توسعه داده شوند. در این رابطه لازم است نسبت به تأمین خدمات عمومی برای بخش تولید اقدام شود، مالکیت معنوی و مادی تولیدکنندگان حفظ شود، نظام بیمه از تولیدکنندگان پشتیبانی لازم را نماید، تناسب بین بازدهی تولید و نرخ بهره بانکی ایجاد گردد، تمرکز بر لایه‌های پایینی صنایع صورت گیرد، فناوری‌های روز جهت افزایش بهره‌وری برای تولیدکنندگان تأمین شود، برند کالاهای ایرانی توسعه و یا برندسازی شود و نظام توزیع و بازاریابی ملی و منطقه‌ای توسعه یابد.

۷) لازم است نسبت به توسعه روابط و تعاملات بین‌المللی اقدام لازم صورت گیرد. در این رابطه بایستی روابط سیاسی و تجاری بین‌المللی و منطقه‌ای با کشورهای دیگر به‌صورت دوجانبه و چندجانبه گسترش یابد، نسبت به عضویت در سازمان‌های بین‌المللی اعم از سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و ... اقدام شود، از دیپلماسی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... حداکثر بهره‌برداری شود و سرمایه‌گذاری بین‌المللی در صنایع کمتر توسعه یافته صورت گیرد.

۸) بایستی در مواجهه با تهدیدات پیرامونی اقدام لازم صورت گیرد. در این خصوص بایستی آمادگی لازم برای شوک‌های سیاسی ملی و بین‌المللی در تولیدکنندگان و صنایع ایجاد و سناریوهای مختلف در نظر گرفته شود، تهدیدات داخلی و خارجی امنیتی- سیاسی به‌خوبی شناسایی و راهکارهای مواجهه با آن تعیین شود، مسیرهای جایگزین در هنگام اختلال در راه‌ها و مسیرهای ارتباطی بین‌المللی پیش‌بینی شود، پیش‌بینی لازم از شاخص ریسک اقتصادی بین‌المللی صورت

گیرد و برآوردهای لازم در مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی گسترده و راهکارهای برون‌رفت از آن انجام شود.

۹) به پلیس امنیت اقتصادی توصیه می‌شود که در راستای ایجاد کارایی و بهره‌وری بیشتر دستگاه تولیدی ارتباط موثر و دقیق و علمی خود را با این واحدها شروع کرده و ادامه بدهد و در این مسیر از متخصصین امر در حوزه‌های مربوطه استفاده کافی و لازم را ببرد تا بتواند همانند سایر دستگاه‌های موثر بر تولید نقش موثری در برطرف کردن موانع تولید داشته باشد. حتی با ایجاد معاونت‌های تخصصی در حوزه تولیدی در این پلیس می‌توان انتظار رشد و بازدهی بالاتر از پلیس امنیت اقتصادی در حوزه تولید را داشت.

۱۰) این امر ضروری است که یک سیستم یا زنجیره تامین از دستگاه‌های متولی برای تامین مواد اولیه ارزان و به موقع جهت در دسترس قراردادن این مواد به صورت عادلانه به تمامی شرکت‌های تولیدی تشکیل شود و به صورت مستمر تحت رصد و پایش قرارگیرد.

۱۱) لازم است که مسئولین پلیس امنیت اقتصادی فراجا به صورت تخصصی و علمی، با جذب نخبگان دانشگاهی به تهیه و تدوین صورت مسائل و راهکارهایی بپردازند که در امر تولید می‌تواند گره از کار واحدهای تولیدی بازکند.

۱۲) لازم به ذکر است که هماهنگی با دستگاه‌های مربوط و همچنین ارتباط بیشتر با دستگاه‌های صادرات‌محور و همچنین مساعدت و همکاری با وزارت امور خارجه به منظور دستیابی به بازارهای صادراتی با مساعدت بیشتر دستگاه‌های مسئول صورت گیرد.

در انتها به ذکر مسائل و مشکلات احصا شده و دسته‌بندی کلی آنها به منظور بهره‌گیری پلیس امنیت اقتصادی و ایجاد مسیری شفاف برای بهره‌گیری این پلیس پرداخته شده است:

۱) نبود و فقدان هیچ‌گونه قوانین و مقررات در زمینه‌های ارز دیجیتال، بلاکچین و کیف پول‌های سخت افزاری و نرم‌افزاری به منظور دورزدن تحریم‌ها و صادرات و واردات

۲) عدم حمایت و راهنمایی از سمت دستگاه‌های مربوط به منظور افزایش صادرات و یافتن بازارهای جدید صادراتی (رویکرد جدید و نوآوری لازم بودن این عرصه)

۳) نبود سیستم‌های نظارتی و پیشگیری به منظور جلوگیری از فساد و موازی‌کاری دستگاه‌های مربوطه در زمینه ارائه مجوزهای تولیدی

۴) تقویت ایمنی و حفاظت فیزیکی مخصوصا در شب و در شهرک‌های صنعتی استان سمنان به منظور کاهش هزینه‌های ایمنی شرکت‌های تولیدی

۵) عدم هماهنگی و ارائه راهکارهای مفید و دقیق علمی به منظور پیشرفت و گسترش روزافزون در جهت بهبود و ارتقای فناوری های تولید

۶) فقدان سیستم یکپارچه و هماهنگ به منظور اتصال هوشمند و دقیق دستگاه ها و واحدهای تولیدی به منظور جهت برطرف کردن مشکلات واحدهای تولیدی و جلوگیری از مازاد هزینه های شکل گرفته و اتلاف وقت این واحدها

۷) اتصال دقیق و درست و هماهنگ دانشگاه های کشور و واحدهای تولیدی جهت ارتقا و افزایش بهره وری سیستم های تولیدی در کنار رشد دانشجو

۸) جلوگیری از افزایش نوسانات نرخ ارز با هماهنگی دستگاه های مربوطه به منظور مشخص شدن هزینه های تولید و داشتن ثبات اقتصادی و روانی در تولید (گزارشات متعدد حاصله از پلیس امنیت اقتصادی در بازار ارز و اتفاق اخیر در برکناری رییس کل بانک مرکزی و تثبیت نرخ ارز در قیمت مشخص برای محصولات خاص)

۹) برگزاری جلسات مستمر دستگاه های مرتبط با امر تولید مثل پلیس امنیت اقتصادی و ارائه راهکارهای دقیق علمی جهت برطرف کردن مشکلات واحدهای تولیدی در حیطه وظایف این پلیس

۱۰) شناسایی و بررسی ماهانه یا فصلی مشکلات تولیدی در کارخانه های تولیدی با پایش و یا ایجاد راه ارتباطی دستگاه های مسئول با واحدهای تولیدی جهت کم کردن هزینه های تولیدی.

۱۱) همکاری و مساعدت در ایجاد بازار یکپارچه فروش و راهنمایی جهت یافتن بازارهای جدید صادراتی و حتی داخلی جهت ارتقا و افزایش تولید توسط دستگاه های مربوط

## منابع

- اکبریان، رضا؛ حیدری پور، سید محسن (۱۳۸۸)، بررسی تأثیر توسعه بازار مالی بر رشد اقتصادی در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۶. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲(۳): ۴۳-۴۴.
- سلاطین، پروانه؛ قلمزن نیکو، کامیار و غفاری صومعه، نیلوفر (۱۳۹۵)، تاثیر بازارهای مالی بر شاخص فلاکت: رهیافت داده‌های تلفیقی. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۰(۳۵): ۱۵۲-۱۳۱.
- دیزجی، منیره؛ کتابفروش بدری، آرش (۱۳۹۷)، ارزیابی همزمان متغیرهای عمده بازار سهام و بیکاری: مورد صنعت ایران. نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، ۲(۵): ۳۲-۱۹.
- ترحمی، فرهاد (۱۳۸۸)، اهمیت بخش خدمات مالی در ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران. مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، (۹۱ و ۹۲): ۲۵-۵.
- مومنی، فرشاد (۱۳۸۹)، پاشنه آشیل توسعه. فصلنامه اقتصاد و جامعه، ۶(۱۹ و ۲۰).
- دوانی، غلامحسین (۱۳۸۴)، قیمت گذاری سهام شرکت‌های تولیدی فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران. انتشارات تصویر.
- اصولیان، محمد (۱۳۸۴)، بررسی تاثیر تغییر برخی از متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص قیمت صنایع پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ولی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۷)، بررسی رشد اقتصادی و نرخ ارز بر شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه غیرانتفاعی مقدس اردبیلی.
- حسینی، سیدصفر؛ قلی‌زاده، حیدر (۱۳۸۹)، بررسی تورم و بیکاری در اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۴(۴۳): ۲۳-۵۴.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۱)، مورد پژوهی؛ فرآیندی برای نظریه پردازی بر اساس دانش پنهان منابع انسانی (مورد: صنعت آب و برق): فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۳(۱): ۲۷-۵۲.
- بهنامیان، مهدی (۱۳۹۱)، اثر نرخ حقیقی ارز بر نرخ بیکاری در ایران. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۱ و ۱۲: ۲۳-۴۰.
- جلایی، سید عبدالمجید؛ میر، هدیه و رحیمی پور، اکبر (۱۳۹۵)، تاثیر بازدهی سهام بر تابع تقاضای بازار کار در ایران. نشریه پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۲(۶۳): ۶۷-۳۲.
- امامی، کریم؛ ملکی، الهه (۱۳۹۳)، بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر اقتصاد ایران. فصلنامه علوم اقتصادی، ۸(۲۶).

مطهری، محب اله؛ لطفعلی پور، محمدرضا؛ احمدی شادمهری، محمدطاهر (۱۳۹۶)، اثرات نرخ ارز واقعی بر رشد اقتصادی در ایران (یافته های جدید با رویکرد غیرخطی). فصلنامه نظریه های کاربردی اقتصاد، ۴(۴): ۱۷۵-۱۹۸.

پورحیدری، امیر؛ یوسف زاده، نسرتین (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر ساختار مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری. فصلنامه پژوهش نامه اقتصادی (رویکرد اسلامی - ایرانی)، ۱۲(۴۵): ۷۵-۹۸.

Dehejia, R., & Gupta, N. (۲۰۱۴), financial Development and Occupational Choice: evidence from india. DRI working paper ۹۶, electronic journal.

Farsio, F., & Fazel, Sh. (۲۰۱۳), The Stock Market/Unemployment relationship in USA, China and Japan. International Journal of Economics and Finance, ۵(۳), ۲۴-۲۵.

Nosipho, T., Zandile, T., Molebogeng, L., Ebersohn, J., & Andrew, Ph. (۲۰۱۶), The nemployment-stock market relationship in South Africa: Evidence from symmetric and asymmetric cointegration models. MPRA Paper No: ۷۴۱۰۱.

Ball, L., Mankiw, G., Romer, D. (۱۹۸۸), the new Keynesian economics and output-inflation trade-off. Brook. Pap. Econ. Act. ۱, ۱-۶۵.

Solnik, Bruno. (۱۹۹۲), the relation between stock price and inflationary expectations: the international evidence. The jornal of finance, march ۱۹۸۳, p.۳۷.

Graham, Fred, c. (۱۹۹۶), inflation, real stock returns and monetary policy, applied financial economics. February ۱۹۹۶, ۲۹-۳۵.

Funke, nurbet. (۲۰۰۶), macroeconomic news and stock returns in the united states and Germany: international monetary fund, Akimi Matsuda, new York university.

Pilinkus, D., Boguslauskas, V. (۲۰۰۹), the short-run relationship between stock market prices and macroeconomic variables in Lithuania: An application of the Impulse response function.economics of engineering decisions, ۵۵(۵).